

## نقش حجاب در تحکیم بنیان خانواده

امروزه بر اساس آمارهای اعلام شده درصد بالایی از ازدواجها منجر به طلاق می گردد. در بررسی علل و عوامل طلاق مطالب زیادی برای گفتن و نوشتن وجود دارد که در این نوشته فرصت طرح و بحث کلیه موارد وجود ندارد. لذا در این مجال به یکی از علل اصلی طلاق که با مراجعه به دادگاههای خانواده متوجه آن می شویم می پردازیم.



امروزه بر اساس آمارهای اعلام شده درصد بالایی از ازدواجها منجر به طلاق می گردد. در بررسی علل و عوامل طلاق مطالب زیادی برای گفتن و نوشتن وجود دارد که در این نوشته فرصت طرح و بحث کلیه موارد وجود ندارد. لذا در این مجال به یکی از علل اصلی طلاق که با مراجعه به دادگاههای خانواده متوجه آن می شویم می پردازیم.

به استناد آیه 31 سوره مبارکه نور حفظ حجاب برای بانوان به صورت حکم بیان شده است. و با نگاهی اجمالی به نظرات فقهای معظم (اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، رساله عملیه آیت اله مکارم شیرازی) به خوبی در می یابیم که داشتن پوشش مناسب و مطابق با شرع مقدس که موجبات تحریک جنس مخالف را بر نیانگیزد هم برای بانوان و هم آقایان به عنوان یک وظیفه شناخته شده است.

آنچه واضح می باشد این است که غریزه جنسی در انسانها و حیوانات نامحدود می باشد و هرچقدر نیز انسان به آن بپردازد سیر نخواهد شد و هر لحظه به دنبال نوع خاصی از ارضای این غریزه خواهد بود و اگر انسان صرفاً بر اساس غرایز نفسانی به زندگی ادامه دهد و تعلیمات دینی را کنار بگذارد گرفتار این غریزه شده و توان گریز از این منجلاب خطر ناک را نخواهد داشت. وقتی در روابط زوجین فقط هواهای نفسانی حکفرما شود زوجین تعهدی به حفظ بنیان خانواده نخواهند داشت. و هرکدام به دنبال ارضای غرایز خود خواهند بود.

ولی چون فطرت انسان پاک و مطهر بوده و مصون از آلودگیهاست. کسی که فطرت بیداری دارد نخواهد پذیرفت که شریک زندگی با او در جامعه نمایان شود که به عنوان عروسکی توسط سایر افراد جامعه مورد بهره برداری قرار بگیرد. مثلاً زوجه وقتی متوجه می شود که شوهر او با یک یا چندین زن دیگر دارای ارتباطات عاطفی کاذب و روابط نامشروع است. امیدی به ادامه زندگی با چنین فردی نخواهد داشت و در این صورت بحث طلاق و آثار سوئی ناشی از آن مطرح خواهد شد. و عکس این قضیه هم احتمال وقوع دارد. این در صورتی است که احد از زوجین دارای فطرت بیدار و مقید به برخی آموزه های دینی باشند. ولی اگر چنین تقیداتی وجود نداشته باشد زوج و یا زوجه با ملاحظه چنین اعمالی از شریک زندگی او نیز مقابله به مثل نموده و به هوسرانیهای خود ادامه می دهد و در این صورت هرچند به استناد اوراق و اسناد این زن و مرد دارای رابطه زوجیت می باشند ولی به واقع نمی توان این با هم بودن را خانواده نامید و انتظار داشت که فرزندی که در این بنیان سست رشد و نمو می کند آینده ای خوب و سرشار از عواطف انسانی و اعتقادات مذهبی داشته باشد. بنابراین این زن و شوهر نه تنها باعث متلاشی شدن این بنیان مقدس می شوند بلکه از تشکیل چندین زندگی مشترک سالم در آینده جلوگیری می کنند.

در نهایت آنچه شایان ذکر می باشد این است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی والدین با اعتماد به نهادهای فرهنگی از پرداختن به مبانی دینی و اعتقادی حجاب و انتقال آن به فرزندان خود غافل شده اند. و سیستم آموزش و پرورش و دانشگاهها و رسانه ملی و سایر ارگانهای فرهنگی نیز به وظیفه ذاتی خود عمل ننموده اند. و از این غفلت به وجود آمده رسانه های خارجی استفاده کرده و با پخش فیلمها و سریالهای مستهجن و ترویج روابط نامشروع، فرهنگ ناسالم خود را در ذهن جوانان پاک ایرانی حک نموده و در نتیجه از تشکیل بنیانهای محکم خانواده و از ادامه زندگیهای مشترک جلوگیری کرده و موجبات فساد در جامعه را فراهم نموده اند.

مهدی زاهدی کارشناس حقوقی اداره کل تبلیغات اسلامی استان آذربایجان شرقی